

کوششی آغازین در فرهنگ‌شناسی

○ علی‌اکبر نیک خلق

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم اجتماعی
دانشگاه آزاد رودهن

کند، و بطئی است و تنها در مقاطع زمانی ۵۰ الی ۶۰ سال قابل مقایسه‌اند. ۳- فرهنگ اجباری ولی اختیاری است. انسان از آغاز تولد از طریق خانواده و جامعه پدیده‌های اجتماعی - فرهنگی، هنجارها، ارزشهای اجتماعی را می‌آموزد، ولی این آموزش‌ها غیرقابل تحمیل است و فرد به میل خود آنها را می‌پذیرد و اجرا می‌کند. درباره ویژگی‌های سه گانه فرهنگ نویسنده با آوردن مثال‌های متعدد به تشریح این مفاهیم متضاد می‌پردازد و آنها را برای خوانندگان به روشنی بیان می‌دارد.

از سوی دیگر کتاب فرهنگ را در دو مقوله مادی و معنوی آن مطرح و مورد بحث قرار می‌دهد. فرهنگ مادی ملموس قابل اندازه‌گیری و قابل مقایسه است و می‌تواند از جامعه‌ای به جامعه دیگر انتشار یابد، ولی به عاریت گرفتن فرهنگ معنوی یا پذیرش و باز دست‌دادن آن برای یک ملت ضایعه‌ای است که هویت آن مردم را تهدید می‌کند. در این مبحث مؤلف به نقد نظریه‌های مردم‌شناسان و جامعه‌شناسان درباره فرهنگ و تمدن می‌پردازد و یادآور می‌شود که تقسیم‌بندی فرهنگ به مادی و معنوی به منظور آسانی مطالعه است و به واقع این دو عنصر فرهنگ به هم پیوسته‌اند و بر هم کنش دارند.

در این بخش همچنین بسیاری از مفاهیم فرهنگ، ساختار فرهنگی و عناصر تشکیل‌دهنده آن، ترکیب فرهنگی، حوزه فرهنگی، خرده فرهنگ، قوم مداری و تغییرات فرهنگی با ذکر مثال‌هایی چند مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. البته پاره‌ای از مفاهیم مهم و نوین چون نسبیت فرهنگی، مجموعه فرهنگی و تفاوت‌های فرهنگی میان نسل‌ها و گروه‌های قومی مورد بحث قرار نمی‌گیرند که باتوجه به اهمیت این مباحث لازم به نظر می‌رسد که مؤلف در چاپ‌های بعدی این مقوله‌ها را مورد مطالعه قرار دهد.

در بخش دوم کتاب که زیرعنوان قلمرو و گسترش آمده است، مفهوم فرهنگ و سنت مطرح شده و مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

در این کتاب مفهوم سنت کلیه آداب، عادات،



جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان برحسب دیدگاه‌های مختلف تعریف‌های گوناگونی از فرهنگ به دست داده‌اند.

در این کتاب تعریف فرهنگ از نظر «گی روشه»، مارگارت مید، د. ه. لوی، ادوارد سایپر، اتوکالین برگ مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. تعریف‌های فرهنگ بسیار زیاد است، هرسکویتس (Herskovits) تعداد آن را حدود ۲۵۰ تعریف ذکر کرده است. دو تن از انسان‌شناسان آمریکایی: کتابی حاوی ۱۶۴ تعریف از فرهنگ تدوین کرده‌اند که ۹۳ تعریف آن را یکی از محققان ایرانی در کتابی تحت عنوان تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ در شش مقوله تعریف‌های: توصیفی، تاریخی، هنجاری، روانشناختی، ساختی و تکوینی طبقه‌بندی کرده است، به نظر می‌رسد که این تعریف‌ها هرکدام بعدی از مفهوم پیچیده فرهنگ را بیان می‌دارند.^۶

از نظر هرسکویتس فرهنگ دارای سه ویژگی است که این ویژگی‌ها در عین حال با هم در تضاد و تعارضند: ۱- فرهنگ عام ولی خاص است. لباس به عنوان یک عنصر فرهنگی در میان انسان‌ها عمومیت دارد ولی هر قومی از پوشاک خاص خود استفاده می‌کند. ۲- فرهنگ متغیر ولی ثابت است، همه پدیده‌های فرهنگی، زبان، خط، طرز لباس پوشیدن و شیوه‌های دیگر زندگی در معرض تغییر و دگرگونی قرار دارند، اما این تغییرات بسیار

- زمینه فرهنگ‌شناسی
- محمود روح‌الامینی
- انتشارات عطار
- ۱۳۷۹، چاپ پنجم

«زمینه فرهنگ‌شناسی» تألیف دکتر محمود روح‌الامینی کتابی است در زمینه شناخت مفهوم فرهنگ و ویژگی‌های آن که اولین بار در سال ۱۳۶۸ از سوی انتشارات عطار منتشر شد و در سال ۱۳۷۹ پس از ۱۱ سال به چاپ پنجم رسیده است. کتاب ساده و روان و به منظور آشنایی دانشجویان به مفهوم فرهنگ انتشار یافته است. دکتر محمود روح‌الامینی که سال‌ها در رشته انسان‌شناسی به تدریس اشتغال دارد با انتشار این کتاب کوششی آغازین در بررسی‌های فرهنگ‌شناسی به عمل آورده است.

نکته ظریفی که از همان آغاز مطالعه کتاب نظر را جلب می‌کند، توجه خاص نویسنده به مسأله‌ی تطور و دگرگونی مفهوم اصلاح فرهنگ (culture) در ادبیات فرانسه است.

کتاب زمینه فرهنگ‌شناسی از یک مقدمه محققانه و پنج بخش تشکیل می‌شود، در پایان منابعی در فرهنگ‌شناسی، اصطلاحات کتاب و معادل آنها به زبان فارسی و خارجی (انگلیسی و فرانسه)، فهرست کتاب‌ها و مقاله‌هایی که در نگارش کتاب به آن استناد می‌شود در دو قسمت فارسی، فرانسه و انگلیسی و بالاخره فهرست اعلام می‌آید.

در بخش اول پس از بیان معنی لغوی فرهنگ و تغییراتی که در آن پدید می‌آید، تعریف فرهنگ از دیدگاه مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی مطرح می‌شود.

نخستین تعریف از فرهنگ در سال ۱۸۷۱ به وسیله ادوارد بارنت تایلور (E.B. Tylor) در کتاب فرهنگ ابتدایی ارائه می‌شود: «فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای است که در برگیرنده دانستنی‌ها، اعتقادات، اخلاقیات، هنرها، قوانین عادات و هرگونه توانایی‌هایی است که انسان به عنوان عضوی از جامعه به دست می‌آورد.» تایلور در کتاب دیگری که به نام انسان‌شناسی (Anthropologie) انتشار داده، نشان می‌دهد که فرهنگ از ویژگی‌های حیات انسانی است. تعریف کلاسیک تایلور از فرهنگ، بحث‌ها و گفت‌وگو زیادی در زمینه مفهوم فرهنگ برانگیخته. پس از این تعریف

فریزر از لحاظ اعتقادی مراحل بی اعتقادی، اعتقاد به ارواح، اعتقاد به خدایان و سرانجام اعتقاد به خدای یگانه را مشخص می کند



رفتارها، ارزشها و هنجارهایی را در برمی گیرد که در خانواده، قبیله و جامعه از گذشته بر جای مانده است. در همین بخش از کتاب مفاهیمی در ارتباط با فرهنگ چون: نهاد اجتماعی، جامعه، شخصیت، جرم، نژاد، هنر، اساطیر و فولکلور (Folk-lore) مورد بررسی قرار می گیرد. نهاد به معنی نظامی است از روابط ساخته و پرداخته و پایدار و با هدفی مشخص که کنش آن از شخصیت افرادی که عهده دار انجام آنند می گذرد، به افراد دیگری انتقال می یابد و در زمان استمرار و مداومت دارد. نهادهای اجتماعی دوگونه از نیازهای انسان را مرتفع می سازند: ۱. نیازهای اصلی، حیاتی و اساسی ۲. نیازهای فرعی. براین اساس نهادها هم به دو دسته تقسیم می شوند: نهادهای اولیه یا نخستین و اصلی که نیازهای حیاتی انسان را تأمین می کنند و نهادهای فرعی که نیازهای ثانوی و دومین را برطرف می سازند. نهادهای فرعی یا دومین با گسترش جامعه و تنوع نیازها پدید می آیند و افزایش پیدا می کنند و ممکن است پس از رفع نیاز فرعی انسان از بین بروند. اما درخصوص نهادهای اصلی یا نهادهای اجتماعی نخستین می توان گفت که ممکن است پاره ای از کارکردهای متنوع خود را از دست بدهند و یا به دیگر نهادهای اجتماعی بسپارند و به تدریج ضعیف شوند. پاره ای از جامعه شناسان دو مفهوم تمدن و فرهنگ را مترادف هم به کار می برند و برخی میان آنها تفاوت قائلند و عقیده دارند که تمدن مفهومی وسیع تر را در بر می گیرد و از قلمرو یک ملت گسترده تر و در میان چند جامعه مشترک است. در این کتاب مقوله فرهنگ به تدریج با مسائل اختصاصی تری چون شخصیت، نژاد، هنر، جرم، اساطیر و فولکلور ارتباط پیدا می کند و حاکی از وجود زمینه های همکاری میان علوم متعددی چون مردم شناسی،

جامعه شناسی، روانشناسی اجتماعی، آسیب شناسی اجتماعی، روانکاوی، ادبیات، اسطوره شناسی می شود و تعارضات و تضادهای فرهنگی را مطرح می سازد. موضوع بخش سوم کتاب زیرعنوان فرهنگ و دبستان های (مکتب های) انسان شناسی آمده است، نظریه های مردم شناسان مورد مطالعه قرار می گیرد. از پیشگامان دبستان تطورگرایی، مرگان، تایلور و فریزر را می توان نام برد. مرگان با مطالعه تکنولوژی ۳ مرحله توحش بربریت و تمدن را در نظر می گیرد که هر کدام خود به سه دوره: قدیم، میانه و جدید تقسیم می شود و تایلور سه مرحله شکار، دامپروری و کشاورزی را مطرح می سازد و فریزر از لحاظ اعتقادی مراحل بی اعتقادی، اعتقاد به ارواح، اعتقاد به خدایان و سرانجام اعتقاد به خدای یگانه را مشخص می کند. مردم شناسان دبستان اشاعه گرایی عقیده دارند که فرهنگ های بشری از یک یا چند مرکز اشاعه یافته اند. تشابهات فرهنگی معلول آمد و رفت ها، مبادلات، مهاجرت ها و جنگ هاست که بر اثر اقتصاد یا تقلید از یکدیگر پدید می آید. دبستان اشاعه گرایی به سه گروه انگلیسی، آلمانی و آمریکایی تقسیم می شود که در زمینه چگونگی اشاعه عناصر فرهنگی به بررسی می پردازند. پیروان اشاعه گرایی آمریکایی عقیده دارند که در جامعه امریکاییان قسمت های مختلفی که از فرهنگ یکدیگر اخذ کرده اند، روابط و اثرات متقابل و مستحکمی وجود دارد. بواس (Boas) درباره افسانه های اقوام مختلف عقیده دارد که قصه واحدی که در منطقه وسیعی جریان دارد، در هر مکان معنی خاصی از آن استنباط می شود. نکته دیگر در مورد دبستان بکارآیی (Fonctionalisme) است. [نویسنده در برابر اصطلاح مکتب، دبستان و فونکسیونالیسم یا

کارکردگرایی اصطلاح بکارآیی را ارائه داده است که ما هم به پیروی از ایشان همین اصطلاحات را بکار می بریم.] مالینوسکی از پایه گذاران دبستان بکارآیی عقیده دارد که هر پدیده فرهنگی دارای سه بُعد تفکیک ناپذیر است که در همه مراحل تحقیق باید این ارتباط را در نظر داشت:

- ۱- پایه های مادی فرهنگ یعنی اشیا و ابزار که بر روی آنها کار انجام می گیرد.
- ۲- پیوند اجتماعی انسان یعنی شیوه رفتاری پذیرفته شده و همانند.
- ۳- اعمال رمزی (Symbolique) یعنی اثرات متقابل میان دو نهاد با کمک ابزار و کنش های شرطی. ساختارگرایی (structuralisme) شیوه یی از بررسی را نشان می دهد که ساختار اجتماعی مورد نظر باشد. ساختار مجموعه به هم پیوسته ای را تشکیل می دهد که هر کدام از اجزا آن در ارتباط با کل دارای معنی است مانند «شیر بها» در ساختار از دواج در جامعه روستایی و عشایری ایران که کارکرد اقتصادی دارد. لوی استراوس می گوید: عناصر یک ساختار دارای ویژگی های زیراند:
- ۱- تغییر هر عنصر از ساختار موجب تغییر عناصر دیگر و کل ساختار می شود.
- ۲- تغییر هر عنصر به گروه تغییراتی تعلق دارد که در چهارچوب و مجموعه نظام وجود دارد.
- ۳- در نتیجه می توان پیش بینی کرد که در صورت تغییر شکل یکی از عناصر چه تغییراتی در الگو پدید می آید.

لوی استراوس در تحلیلی که راجع به پخت غذا از دیدگاه ساختاری ارائه می کند، فرهنگ را نقطه مقابل و متضاد با طبیعت می آورد و در پایان این بخش نظریه لوی استراوس درباره تقابل فرهنگ و طبیعت به نحوی زیبا و

محققانه بیان می‌شود.

در بخش چهارم کتاب زیرعنوان پویایی و پذیرش، نویسنده به بیان پاره‌ای دیگر از مفاهیم مربوط به مقوله فرهنگ، فرهنگ‌یابی، فرهنگ‌پذیری، هویت فرهنگی و ضدفرهنگ یا فرهنگ دیگر، قومیت‌کشی، سرمایه فرهنگی و فرهنگ و توسعه می‌پردازد.

فرهنگ یابی معادل اصطلاح *enculturation* به معنی شیوه‌های تعلیم و تربیت و یادگیری تجاربی است که انسان را از دیگر حیوانات متمایز می‌سازد و به فرد امکان می‌دهد از آغاز کودکی تا پایان عمر آگاهانه یا ناخودآگاه فرهنگ جامعه‌اش را به طور مداوم فراگیرد.

فرهنگ‌پذیری پذیرش فرهنگ است به طور ژرف که براساس ارتباط مداوم میان اقوام و گروه‌های انسانی و در سرزمین‌های مختلف حاصل می‌شود.

جامعه ما از لحاظ چگونگی پذیرش فرهنگ تفاوت دارند، در جامعه بسته نوآوری به دشواری صورت می‌پذیرد، مردم به فرهنگ خود بیشتر پای بندند، کمی ارتباط میان افراد و گروه‌های اجتماعی پذیرش فرهنگ را در بسیاری موارد ناممکن می‌سازد.

در جامعه باز به علت ارتباط میان گروه‌های اجتماعی پذیرش فرهنگ جدید و مبادلات فرهنگی انجام می‌گیرد.

بر اثر مهاجرت اقوام و گروه‌های انسانی به سرزمین‌های مختلف، مردم به ناچار فرهنگ جامعه میزبان را می‌پذیرند و خود نیز پاره‌ای عناصر فرهنگی جامعه‌شان را در سرزمین مهاجرپذیر متداول می‌کنند. مهاجرت اقوام و گروه‌های انسانی به آمریکا این پدیده را تأیید می‌کند، در اینجا فرهنگ‌پذیری دوسویی است.

گونه دیگر از پذیرش فرهنگ معلول سلطه گروه‌های مهاجم به یک سرزمین است که گاه فرهنگ جامعه مغلوب به وسیله گروه‌های مهاجم پذیرفته می‌شود و گاهی نیز مهاجمان فرهنگ خود را به مردم جامعه مغلوب تحمیل می‌کنند و رواج می‌دهند.

نویسنده پس از بحث و بررسی نظریه‌های مردم‌شناسان در این باره مسئله هویت فرهنگی را مطرح می‌سازد و در تبیین آن ملاک‌هایی چون وجود سرزمین اجدادی مشترک، زبان مادری، گذشته تاریخی، حماسه‌های آبا و اجدادی، باورها، سنت‌های قومی، مفاخر ملی، عصبیت‌ها، ادبیات تاریخی را در شکل‌گیری آن مؤثر می‌داند. به نظر می‌رسد که هویت فرهنگی یک قوم همان وجدان تاریخی جامعه قومی است که بر حافظه تاریخی جامعه نیز تکیه دارد و بر وجدان‌های فردی حاکم است.

مؤلف عقیده دارد که هویت فرهنگی با سه عامل زبانی، اجتماعی، روان‌شناختی ارتباط دارد که برحسب وضعیت‌های مختلف تاریخی اثرات گوناگونی بر جای می‌گذارد.

از مسائل دیگر موردتوجه و بحث مقاله این است زیرعنوان ضدفرهنگ *Contre culture* این امر به

نظر نویسنده از طریق گروهی از جوانان و روشنفکران در مقابل فرهنگ و شیوه زندگی و تحولات صنعتی جامعه پدیدار شده است و جامعه و جوانان را به بی‌توجهی به سنت‌ها، ارزش‌ها، اخلاقیات و بی‌قیدی و لابلایگری فرامی‌خواند.

اما برخی از مردم‌شناسان این پدیده را به عنوان «فرهنگ دیگر» مطرح می‌سازند که به وسیله نسل جوان و فرزندان در برابر نسل والدین پدید آمده است. عقیده بر این است که تفاوت‌های فرهنگی میان والدین و فرزندان امری اجتناب‌ناپذیر می‌نماید که در هر عصر و دوره‌ای وجود دارد و پدیده‌های اجتماعی - فرهنگی است که اساساً قابل بررسی است. از میان نویسندگانی که این پدیده را مطرح می‌سازد، ایوان تورگنیف نویسنده رُمان معروف پدران و فرزندان است. او به درستی این واقعیت را درمی‌یابد و با ظرافت در رمان خود بیان می‌دارد.

امروز هم می‌بینیم که میان والدین و فرزندان از این لحاظ تفاوت‌های آشکاری وجود دارد. پاره‌ای بررسی‌های مردم‌شناختی در زمینه تفاوت‌های فرهنگی میان والدین و فرزندان این امر را تأیید می‌کند. جوانان و فرزندان در خانواده‌ها در زمینه‌های مختلف: در ذوق و سلیقه، نوع کارها، تصمیم‌گیری‌ها، عقاید، تغذیه، طرز آرایش و لباس و پوشاک و تفریحات و سرگرمی‌ها، تهیه وسایل و لوازم خانه، تزیینات منزل، چگونگی گذران اوقات فراغت، انتخاب دوستان، نگرش‌های‌شان درباره مسائل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مذهبی در زمینه‌های تحصیلی و بسیاری امور دیگر با والدین خود تفاوت دارند و این تفاوت‌ها برحسب پایگاه خانواده، ثروت، سواد و درجه تحصیل و سن والدین و پاره‌ای معیارهای دیگر فرق می‌کند و از نظر انتقال میراث فرهنگی و حفظ و تداوم آنها و اثراتی که در تحکیم هویت ملی دارند می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد.

یکی دیگر از موضوعات مورد بحث کتاب که در جامعه‌های در حال توسعه مطرح می‌شود پس‌افتادگی فرهنگی است. این امر وقتی پدید می‌آید که میان عناصر فرهنگی هم‌هنگ جامعه یک یا چند عنصر فرهنگی سریع‌تر از دیگر عناصر تغییر کند و عنصر یا عناصر دیگر یا تغییر نکند یا تغییرش کند باشد، در نتیجه ناهماهنگی میان عناصر تشکیل‌دهنده فرهنگ، نابسامانی‌هایی در ساختار اجتماعی - فرهنگی جامعه پدید می‌آید.

امروز در جامعه ما نمونه‌های زیادی از پس‌افتادگی فرهنگی را می‌توان مشاهده کرد. مثلاً رسم مهمان‌نوازی در جامعه ما که از رسم‌های ارزشمند اجتماعی است، در نتیجه عدم هماهنگی درآمد و هزینه خانواده دچار پس‌افتادگی شده است. بر اثر کاهش مبادلات اجتماعی میان خانواده‌ها روابط میان خانواده کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر می‌شود و بالاخره زمینه را برای تک‌افتادگی و انزوا خانواده فراهم می‌آورد.

بخش پنجم کتاب با بررسی مقاله‌ای از رالف لینتن

که با تکیه بر دبستان اشاعه‌گرایی نگارش یافته است آغاز می‌شود. در این مقاله نویسنده به تحلیل این واقعیت می‌پردازد که از آغاز کشف آمریکا تاکنون پدیده‌های گوناگونی از فرهنگ سرزمین‌های مختلف آسیای صغیر، هند، چین، اسکانندیناوی، اروپای قرون وسطی، مصر، خاور نزدیک، مدیترانه، فرانسه، یونان و بسیاری دیگر از نقاط دنیا به آمریکا راه یافته است و بنابراین می‌توان دریافت که فرهنگ آمریکایی - هرچند که یک آمریکایی خود را یک آمریکایی کامل عیار و صدرصد آمریکایی نشان می‌دهد، فرهنگی تلفیقی است. پدیده‌های فرهنگی از طریق اشاعه از سرزمین‌های دیگر به آمریکا راه یافته و در تشکیل تمدن این سرزمین نقش داشته است.

در مقاله دیگر زیرعنوان «مردم‌شناسی به کجا می‌رود» نویسنده به بررسی سیر تطور دبستان‌های مردم‌شناسی از تحول‌گرایی به اشاعه‌گرایی و بکارایی می‌پردازد و نشان می‌دهد که دبستان‌های مردم‌شناسی با هم مغایر نیستند بلکه به گونه‌ای با یکدیگر هماهنگی دارند. در این مقاله به بررسی نظریه‌های جیمز فریزر می‌پردازد و می‌نویسد که فریزر در مردم‌شناسی جدید به همان اندازه صاحب‌نظر است که در دبستان تحول‌گرایی. روش مقایسه‌ای که فریزر به کار می‌برد هنوز به عنوان یک روش معتبر در بررسی‌های علم مردم‌شناسی مورد استفاده قرار می‌گیرد و دبستان‌های مختلف مردم‌شناسی با هم روابط نزدیک دارند و مکمل یکدیگرند.

دبستان اشاعه‌گرایی در آلمان زاده شد و در انگلستان توسعه یافت و زمینه‌های مساعدی جهت پژوهش‌های مردم‌شناسی فراهم کرده است. نویسنده در این بحث بر این نکته تأکید می‌ورزد که انتقال یک عنصر یا پدیده فرهنگی میان دو جامعه تنها یک واقعه نیست، بلکه فرایندی است که ساختار و ترتیب اجزای آن به روند تحول بسیار نزدیک است. وی آنگاه برای روشن شدن مطلب مثالی از جیمز فریزر می‌آورد و پدیده بیگانه همسری را مطرح می‌سازد که ابتدا در یک قبیله به وجود می‌آید و از طریق اشاعه به قبیله‌ها و سرزمین‌های دیگر سرایت می‌کند و این نهاد اجتماعی اثرات تاریخی همانندی را برمی‌انگیزد. اما این که یک نمود فرهنگی بر اثر ابداع یا اشاعه پدید می‌آید مستلزم حل معمای تاریخی قابل لمس در بُعد فضایی - مادی، دقیق در قبیله‌ای معین و در زمانی مشخص است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. Descriptive
۲. Normative
۳. psychologique
۴. structure
۵. Genetics

۶. داریوش آشوری: تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۶۰